

تحلیلی بر اصول و قواعد شهرسازی ایرانی - اسلامی با رویکرد زیبایی شناسی شهری

سیوان ولدبیگی*، هما حبیبیان**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۵/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۷/۳

چکیده

زیبایی جویی یکی از ابعاد فطری انسان است و درک آن شاخص ترین امتیاز معنوی انسان بشمار می آید. زیبایی از نوعی ویژگی همگرایی برخوردار است و باعث می شود، عناصر از هم گسسته با نوعی آرامش، کنار هم قرار گیرند. به همین جهت زیبایی قدرت آرام سازی قابل توجهی دارد. شهرسازی ایرانی - اسلامی به عنوان الگویی غنی از شهرسازی، با برخورداری از بنیان های فکری و فرهنگی ایرانی و اسلامی، امروزه با تأکید بر اصول دین مبین اسلام از نظر مفهومی و تأکید بر ارزش های پایدار عرفان ایرانی از نظر معنایی در صدد ساماندهی و بازآفرینی فضاهای شهری است. از این رو تحقیق حاضر قصد دارد به منظور تبیین میزان تحقق پذیری زیبایی شهری به عنوان یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در ارتقاء سلامت جامعه و کیفیت زندگی شهروندان، در شهرسازی ایرانی - اسلامی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به عنوان روش شناسی تحقیق به بررسی و تحلیل اصول و قواعد شهرسازی مکتب اصفهان، به عنوان نماد شهرسازی ایرانی - اسلامی و انطباق و مقایسه آن با مهم ترین مؤلفه های زیبایی شناسی بصری شهری از جمله ایمنی، سرزندگی، عدالت، اجتماع پذیری فضا، خودمانی بودن فضا، همخوانی با طبیعت و خوانایی پردازد. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که از یک سو اصول و قواعد تبیین شده برای شهرسازی بومی در سطح عالی از تأکید و انطباق بر معیارهای عام زیبایی شناسی شهری از نظر مفاهیم محتوایی قرار دارد و از سوی دیگر اکثر قریب به اتفاق اصول و قواعد تبیین شده برای شهرسازی ایرانی - اسلامی در مجموع از میزان تحقق پذیری بالایی در زمینه زیبایی شهری برخوردارند؛ بنابراین در نهایت بر این اساس می توان چنین نتیجه گرفت که شهرسازی ایرانی - اسلامی آفریننده زیبایی شهری هست.

واژگان کلیدی

زیبایی، زیبایی شناسی شهری، شهرسازی مکتب اصفهان، شهرسازی ایرانی - اسلامی

مقدمه

یکی از ابعاد فطری انسان زیبایی‌جویی است و از آنجاکه دین مقدس اسلام منطبق بر این فطرت الهی است، به حس آراستگی، توجه کرده و برای تأمین نیازهای انسان در این زمینه توصیه‌هایی ارائه کرده است. در دیدگاه اسلامی، نقش مذهب تنها تعلیم عمل خیر نیست؛ بلکه ترویج زیبایی در تمام سطوح آن از بعد معنوی گرفته تا بعد فیزیکی، به عهده مذهب است. هنگامی که سخن از زیبایی و زیبایی‌شناسی شهری به میان می‌آید، لازم است یادآوری شود که اولاً زیبایی موضوعی ذهنی (subjective) است و نه عینی (objective)، بدین معنی که هر کس ممکن است اثری را بنا به سلیقه خود زیبا بداند یا نداند؛ بنابراین زیباشناختی تجربه‌ای خوشایند و مطلوب است که به زندگی ارزش و معنا می‌بخشد. به‌گونه‌ای که این تجربه مبتنی بر تعمقی نشأت‌گرفته از درون موجود زنده است که سبب می‌شود، محیطش را بهتر درک کند.

سیمای شهر و زیبایی حاصل از آن نه تنها در روح و روان شهروندان بلکه در ساختار اقتصادی، مناسبات اجتماعی، وضعیت بهداشت و سلامت جامعه و کیفیت زندگی شهروندان مؤثر است. امروزه هر جا سخن از سیمای و منظر شهری می‌رود، آنچه در وهله اول در ذهن شهروند متصور می‌شود، چیزی جز مجموعه‌ای از فرم‌های کالبدی بی‌هویت و بی‌تناسب که بدون هیچ معنا و محتوایی عمیقی، زشتی، ناهنجاری و به‌طور کل آلودگی بصری را با چشم و ذهن شهروندان عجین ساخته و بجای ایجاد محیطی آرامش‌بخش و امن، گاهی برهم زننده آرامش و امنیت محسوب می‌گردند، نیست.

زیبایی‌شناسی شهری فرآیندی است مستمر، در حال رشد و تغییر که با روانشناسی، فلسفه، هنر، فرهنگ، هویت، دانش، بینش، زمان و کارکردهای مختلف ارتباط داشته و ظهور پیدا می‌کند. از این‌رو زیباسازی فرآیند توسعه ویژگی‌های بصری است که در فضاهای شهری صورت می‌گیرد (کریمی مشاور، ۱۳۹۲). شهرسازی مکتب اصفهان به دلیل تبیین روشن و دقیق مضمونی در تاریخ معماری و شهرسازی ایران را می‌توان به‌عنوان نمادی از شهرسازی ایرانی - اسلامی معرفی نموده و ویژگی‌های متأثر از آن را به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های شهرسازی ایرانی - اسلامی قلمداد نمود. مکتب اصفهان به‌تبع جهان‌بینی حاکم، به وحدت بیان دست می‌یابد. این مکتب در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن به اصلی است که جهان بر آن قرار دارد؛ یعنی اصل تعادل و توازن، تعادل فضایی و توازن کالبدی (حبیبی، ۱۳۸۲).

بیان مسأله

نیاز به زیبایی جزء ناشناخته‌ترین نیازها است. مازلو معتقد است که این نیاز در بعضی از افراد وجود دارد. این‌گونه افراد با دیدن زشتی، بیمار می‌شوند و با قرار گرفتن در محیطی زیبا، بهبود می‌یابند (متولی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). شهرها که زمانی کانون‌های امن، زیبا و مملو از ارتباطات اجتماعی، فرهنگی و هنری بوده، امروزه تبدیل به مناطقی بیش‌ازحد گسترده، بی‌هویت، آلوده و پر از مسائل اجتماعی، فرهنگی و زیبایی‌شناختی شده‌اند، به‌گونه‌ای که هر جا که سخن از سیما و منظر شهری می‌رود، آنچه در وهله اول در ذهن انسان متصور می‌شود چیزی جز مجموعه‌ای از فرم‌های کالبدی بی‌هویت و بی‌تناسب که بدون هیچ معنا و محتوایی عمیقی، زشتی، ناهنجاری و به‌طور کل آلودگی بصری را با چشم و ذهن شهروندان عجین ساخته و بجای ایجاد محیطی آرامش‌بخش و امن، گاهی برهم زننده آرامش و امنیت محسوب می‌گردد، نمی‌باشد.

هر جهان‌بینی، فرهنگ منتج از خود را دنبال می‌کند. هر فعالیتی که توسط انسان صورت می‌گیرد، اساساً متکی به فرهنگ است؛ از این‌رو تولیدات و دست‌ساخته‌های انسان نیز حاصل همان جهان‌بینی است. در حقیقت این جهان‌بینی است که معیارهای زیبایی فضای شهری را سامان خواهد داد و فضاهای شهری در تمدن‌های مختلف را متمایز خواهد نمود؛ بنابراین تقلید از قواعد زیبایی‌شناسی دیگران زمینه‌ساز از خودبیگانگی و بحران هویت خواهد شد (تقی‌زاده، ۱۳۸۱).

فضای شهری اصولاً فضایی است که واجد زیبایی باشد (کریر، ۱۳۷۵). به‌عبارتی دیگر هر فضایی در شهر را نمی‌توان فضای شهری دانست، مگر آنکه بر اساس قواعد زیبایی‌شناسی شکل گرفته باشد (توسلی، ۱۳۷۲). از سوی دستیابی به زیبایی و لذت زیباشناختی در شهر و فضاهای شهری بدون حس تعلق مکان، امکان‌پذیر نیست و این حس زمانی شکل می‌گیرد که شخص خود را بخشی از فضای شهری بداند.

بر این اساس اصول و قواعد تبیین شده برای شهرسازی ایرانی - اسلامی از آنجاکه آبشخور دو فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی می‌باشد، بایستی توانایی لازم در ایجاد و شکل‌دهی فضاهای شهری با هویتی که مملو از ارتباطات اجتماعی، فرهنگی و هنری است را داشته و

به تبع آن حس تعلق مکانی را در شهروندان محقق سازد و این مهم مستلزم همسو بودن اصول و قواعد شهرسازی بومی با معیارهای عام زیبایی‌شناسی شهری و به عبارتی آفرینش زیبایی شهری است.

اهداف تحقیق: هدف را می‌توان بیان نتایج مورد انتظاری که فعالیت‌های ما به سوی آن‌ها جریان پیدا می‌کند، دانست (حافظ-نیا، ۱۳۸۷). تحقیق حاضر به منظور روشن شدن جوانب موضوع مورد مطالعه، بررسی اصول و قواعد شهرسازی ایرانی - اسلامی و انطباق آن با معیارهای عام زیبایی‌شناسی شهری به منظور تبیین جایگاه زیبایی شهری در شهرسازی را به عنوان هدف کلان دنبال می‌کند، از این رو دستیابی به این مهم مستلزم تحقق اهداف خردی به شرح ذیل است:

- تبیین و تشریح اصول و قواعد شهرسازی بومی
- تبیین و تشریح معیارهای عام زیبایی‌شناسی شهری
- مقایسه و انطباق اصول و قواعد شهرسازی بومی با معیارهای عام زیبایی‌شناسی شهری

فرضیه‌های تحقیق

- با توجه به اصول و قواعد شهرسازی ایرانی - اسلامی چنین به نظر می‌رسد که اصول و قواعد شهرسازی بومی در مجموع بر معیارهای عام زیبایی‌شناسی شهری تأکید کرده و منطبق هستند.
- با توجه به مفاهیم محتوایی اصول و قواعد تبیین شده چنین به نظر می‌رسد که اصول و قواعد تبیین شده برای شهرسازی میزان تحقق‌پذیری بالایی در زمینه زیبایی شهری دارند.
- در مجموع فرض بر این است که شهرسازی بومی آفریننده زیبایی است.

سابقه موضوع

زیبایی‌شناسی پدیده‌ای است که اخیراً با ظهور فلسفه روشنگری شکل گرفته است. این واژه در لغت‌نامه دهخدا به معنای شناختن زیبایی و رشته‌ای از روانشناسی است که هدفش شناساندن جمال و هنر است (بهزادفر، ۱۳۹۱: ۱۳۳). ظهور مکتب فیثاغورثی در دوران باستان را می‌توان سرآغاز نظریه پیچیده و منظمی از مبانی زیبایی‌شناختی دانست، ولی مضامین بنیادی این مفهوم را "افلاطون" برانگیخت. در دوران معاصر اساس دیدگاه در زیبایی‌شناسی را می‌توان در جایگزینی اصل ذهن با اصل عین دانست که با دیدگاه فردگرایی "ذکارت" که مبتنی بر رویکردی عقلی به موضوع است و همچنین ظهور روان‌کاوی زیباشناختی در آثار "لایب نیتس" تحت نظریه ادراکات حسی آغاز شود و با پایان آن تجربه‌گرایی در مفهوم زیبایی‌شناسی از "بیکن" تا "هیوم" که بیشتر مبتنی بر ویژگی ذهنی ادراکات حسی بود آغاز گردید و در مسیر چنین فراگرد تغییر مفهومی در زیبایی‌شناسی با ارائه نظریات "کانت" مبانی زیباشناختی طبیعت ظهور کرد، به گونه‌ای که زیباشناختی متعال "کانت" را می‌توان نوعی تئوری خلاقیت دانست، به گونه‌ای که این رویکرد در مضامین زیبایی‌شناسی رمانتیک تحول بیشتری یافت (اتینگهاوزن و اسپرتیو، ۱۳۷۴).

امروزه شهرسازی کشور با وجود مسائل و چالش‌های چون بی‌معنای در مفهوم شهر، بی‌هویتی موجود در ساختار شهری کشور و فقدان نظریه‌پردازی و تولید و بازتولید دانش در خصوص شهرسازی، همچنین ناکارآمدی مدرنیسم در شهرسازی کشور با بحران پارادایم روبرو است. در همین راستا امروزه در محافل شهرسازی کشور مباحثی در زمینه شهرسازی ایرانی - اسلامی که مبتنی بر بنیان‌های شهرسازی مکتب اصفهان می‌باشد، با وجود اختلاف‌نظرهای که در مورد آن وجود دارد به عنوان مبنای پارادایم جدید شهرسازی کشور در آینده در قالب شهرسازی بومی در حال شکل‌گیری است. در این خصوص مطالعاتی صورت گرفته است که به چند نمونه از آن‌ها مختصراً اشاره می‌گردد.

سید محسن حبیبی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه‌های معاصر شهرسازی" باهدف نیل به تصویری کم‌وبیش روشن از اصول و قواعد شهرسازی بومی، به معرفی شهرسازی مکتب اصفهان به عنوان نمود شهرسازی ایرانی - اسلامی پرداخته و با مقایسه اصول و آموزه‌های این مکتب با دو جنبش نوشهرگرایی و هسته‌های سازمند شهری به عنوان نمادی از نظریه‌های شهرسازی معاصر که ریشه در انگاره‌های پایداری دارند، اقدام به تبیین اصول و قواعد شهرسازی ایرانی - اسلامی نموده‌اند که می‌توان آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین تحقیقات در این زمینه قلمداد نمود. علی منصور (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی - اسلامی" باهدف بازخوانی مجدد موضوع پوشیدگی که در معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی در قالب درون‌گرایی و رعایت حجاب مطرح بود، پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که

امروزه در معماری و شهرسازی کشور این مهم به بوته فراموشی سپرده شده است. علی و محسن سلسله (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تأثیر عامل هویت ایرانی، اسلامی بر زیبایی شهر" باهدف شناخت هویت از ابعاد گوناگون و بررسی تأثیربخشی و کارکردی نمودن آن در زیباسازی شهرها، به بررسی نقش هویت و چگونگی استفاده از سرمایه‌های هویت ایرانی-اسلامی در جهت بهسازی شهرها پرداخته و به این نتیجه دست‌یافته که عدم هماهنگی ظرف و مظروف در دامن زدن به مسئله بی‌هویتی وزشتی شهرهای بزرگ کشور نقش مهمی را ایفا می‌کند.

مباحث نظری

زیبایی و زیبایی‌شناسی شهری: زیبایی، کیفیت یک پدیده عینی و مستقل از ادراک‌کننده آن نیست، بلکه ارزشی است که از سوی دریافتنده به یک وجود عینی مثل یک منظره طبیعی افزوده می‌شود (ویتیک، ۱۳۸۵). اصطلاح زیبایی‌شناسی (Aesthetics) از واژه یونانی گرفته شده که ادراک حسی معنا می‌دهد. در قرن هجدهم میلادی "الکساندر بومگارتن" این واژه را در مفهوم ادراک و ارزیابی زیبایی به کاربرد (ویتیک، ۱۳۸۵: ۲۸). هنگامی که سخن از زیبایی و زیبایی‌شناسی شهری به میان می‌آید، لازم است یادآوری شود که اولاً زیبایی موضوعی ذهنی (subjective) است و نه عینی (objective)، یعنی هر کس ممکن است اثری را بنا به سلیقه خود زیبا بداند یا نداند. زیبایی‌شناسی شهری فرآیندی است مستمر، در حال رشد و تغییر که با روانشناسی، فلسفه، هنر، فرهنگ، هویت، دانش، بینش، زمان و کارکردهای مختلف ارتباط داشته و ظهور پیدا می‌کند. از این رو زیباسازی فرآیند توسعه ویژگی‌های بصری است که در فضاهای شهری صورت می‌گیرد (کریمی مشاور، ۱۳۹۲)؛ بنابراین زیباشناختی تجربه‌ای خوشایند و مطلوب است که به زندگی ارزش و معنا می‌بخشد و این تجربه مبتنی بر تعمقی نشأت‌گرفته از درون موجود زنده است که سبب می‌شود او محیطش را بهتر درک کند.

معیارهای عام زیبایی‌شناسی شهری: با مروری گذرا بر معیارهای زیبایی‌شناسی در ادوار مختلف می‌توان به راحتی تأثیر نوع نگرش به طبیعت و محیط پیرامون را بر تبیین معیارهای زیبایی‌شناسی دریافت. از آنجاکه در مباحث شهر و شهرسازی انسان به عنوان فلسفه وجودی شهر مطرح می‌گردد و زیبایی و زیبایی‌جویی از ابعاد فطری انسان است؛ بر این اساس معنادار بودن زندگی برای انسان را می‌توان به عنوان اصل مشترک انسانی در مباحث شهری قلمداد نمود. معنادار بودن زندگی انسان به تبع اجتماعی بودنش در گرو شکل‌گیری تعاملات اجتماعی- فرهنگی انسان با انسان و محیط می‌باشد. از این رو زیبایی شهری صرفاً منحصر به عناصر و ادراک بصری نیست بلکه با خاطرات جمعی، نظام رفتاری، فرهنگ عمومی، انگیزش و هیجان و... نیز مرتبط است؛ بنابراین شهر به عنوان محیط‌زیست انسانی بایستی بتواند شرایط و بستری لازم را برای چنین تعاملات دوسویه و درک بهتر محیط فراهم نماید و این ممکن نمی‌گردد، مگر آنکه انسان نسبت به محیط احساس تعلق خاطر نماید. در واقع، بدون احساس تعلق نمی‌توان به احساس زیبایی و لذت زیباشناختی دست یافت. بر این اساس برای زیبایی‌شناسی شهری معیارهای عام زیر را که بیان و محقق‌کننده زیبایی شهری و به تبع آن تحقق حس تعلق خاطر می‌باشد، تبیین می‌گردند. در جدول زیر این معیارها بیان شده است:

جدول ۱- معیارهای عام زیبایی‌شناسی شهری

معیارها	معنا و مفهوم معیارها
ایمنی	مؤلفه ایمنی، اشاره به موارد و عوامل محیطی دارد که در صورت عدم تأمین آن‌ها وقوع حوادث اجتناب‌ناپذیر است و خطرات به صورت بالقوه و بالفعل جان و مال شهروندان را تهدید خواهد نمود.
سرزندگی	حضور قوی و مداوم افراد از گروه‌های مختلف موجب سرزندگی فضا می‌شود. تنوع افراد، رفتارها، کاربری‌ها و فعالیت‌ها می‌تواند از مهم‌ترین عوامل تقویت سرزندگی می‌باشند.
خودمانی بودن فضا	وقتی فضایی خودمانی است، فرد احساس می‌کند در تغییر و ساماندهی آن نقش دارد و به عبارتی در آن دخل و تصرف نماید.
خوانایی	خوانایی همچنان که لینیج بیان می‌کند، شناسایی آسان اجزاء شهری و توانایی در ارتباط دادن آن‌ها در قالبی به هم پیوسته در ذهن است که می‌تواند درک بهتر محیط را محقق نماید.

در شهرسازی عدالت دربرگیرنده مفاهیمی چون؛ توزیع متناسب عملکردها و خدمات، دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی بدون تبعیض و تفاوت بین ساکنان یک شهر است.	عدالت
درواقع اجتماعی پذیری فضا مبین مشارکتی در جهت ایجاد روابط اجتماعی و تجربه مستقیم با مکان و مردم است که با ایجاد امکان همکاری، همسایگی و تعامل دوسویه در فضاهای شهری محقق می‌گردد.	اجتماع‌پذیری
شهر به‌عنوان بخشی از اکوسیستم بایستی در راستای اصل توسعه پایدار شهری باشد.	همخوانی با طبیعت

شهر ایرانی - اسلامی: شهر ایرانی اسلامی، به شهری اطلاق می‌شود که مکان تحقق تمدن بوده و از نظر مفهومی منبعث از اصول دین مبین اسلام و در معنا دارای ارزش‌های پایدار مبتنی بر بینش عرفان ایرانی و در مصداق مبتنی بر ویژگی‌های بستر طبیعی، فرهنگی و تاریخی بوده و در هر یک از بازه‌های زمانی متناسب با ویژگی‌ها و نیازمندی‌های مراتب گوناگون معنوی و مادی جوامع انسانی و با استفاده بهینه از علوم فناوری و مهندسی شکل گیرد. هدف از ایجاد این‌گونه از شهرسازی فراهم آوردن زمینه مناسب جهت تکامل و تعالی انسان‌ها مطابق با آموزه‌های دین اسلام بوده و در این زمینه توسعه روابط اجتماعی و نیز تولید مظاهر تمدن و فرهنگ به‌ویژه در آثار هویت‌مند هنری تجلی‌یافته است (مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۹۱).

اصول و قواعد شهرسازی ایرانی - اسلامی: مکتب اصفهان به‌تبع جهان‌بینی حاکم، به وحدت بیان دست می‌یابد. این مکتب در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن به اصلی است که جهان بر آن قرار دارد؛ یعنی اصل تعادل و توازن، تعادل فضایی و توازن کالبدی. شهرسازی دوران صفویه به دلیل تبیین روشن و دقیق مضمونی در تاریخ معماری و شهرسازی ایران را می‌توان به‌عنوان نمادی از شهرسازی ایرانی - اسلامی معرفی نموده و ویژگی‌های متأثر از آن را به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های شهرسازی ایرانی - اسلامی قلمداد نمود (حبیبی، ۱۳۸۲). بر همین اساس اصول و قواعد شهرسازی ایرانی - اسلامی بر مبنای مکتب شهرسازی اصفهان به‌عنوان نماد شهرسازی بومی در جدول زیر تبیین گردیده است.

جدول ۲- اصول و قواعد شهرسازی ایرانی - اسلامی

اصول شهرسازی بومی	معنا و مفهوم اصول
توافق کامل شهر با محیط پیرامونی در منطقه	شهر باید در توافق، همزیستی و وحدت چند سویه با شهرها و روستاهای اطراف خود باشد.
مشخص بودن مرزی برای تعریف محدوده کالبدی	محدوده کالبدی شهرها باید مشخص باشد تا از گسترش بدون نظارت شهر در زمین‌های اطراف جلوگیری شود.
توسعه درون‌زا در بستر پهنه‌های موجود توسعه‌های جدید در ارتباط چند سویه با شهر اصلی	علاوه بر تشویق به باز زنده سازی محله‌های موجود باید برنامه‌ریزی برای توسعه‌های جدید در ارتباط با شهر موجود پرداخت.
حمایت از حرکت پیاده در بافت	خیابان‌ها و میدان‌ها برای پیاده‌روی باید امن، راحت و جذاب باشد. در صورتی که این فضاها تناسبات خوبی داشته باشند پیاده‌روی را تشویق کرده و همسایگان را قادر به شناخت یکدیگر و مراقبت اجتماع محلی خود می‌کنند.
تأکید بر توسعه حمل‌ونقل عمومی	باید شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته و منسجم از حمل‌ونقل عمومی تأمین گردد تا به کاهش استفاده از خودرو شخصی بیانجامد.

تأکید بر ساخت و ساز سبز، محافظت از فضاهای باز	باید از فضاهای باز و سبز موجود حفاظت کرده و فضاهای سبز و بلوارها و خیابان‌های درختکاری شده را گسترش داد.
تأکید بر فضاهای عمومی مشترک محلی و اهمیت به زندگی در اجتماع محلی	فضای عمومی محلی باید عاملی برای زنده شدن دوباره حس زندگی در اجتماع محلی باشد. ساختمان‌های همگانی و مکان‌های عمومی شهر می‌باید مبین و تقویت‌کننده هویت بومی و تشخص منحصر به فرد آن شهر باشد.
تأکید بر اختلاط کاربری‌ها	باید تنوعی از کاربری‌ها نظیر تسهیلات خرید، تفریح، فرهنگی و... سازگار در کنار واحدهای مسکونی قرار گیرند.
الگوی ترکیبی مسکن	باید تنوعی از گونه‌های مختلف مسکن در بافت موجود باشد. بهتر است تا حد ممکن از تیپ‌سازی مجموعه‌های مسکونی و بی‌اعتنایی نسبت به بسترها و چارچوب‌های اقلیمی و فرهنگی نقاط مختلف کشور اجتناب ورزید.
تأکید بسیار زیاد بر مرکز مجموعه	مرکز مجموعه باید هم به‌عنوان مرکز مدنی و هم به‌عنوان عرصه‌ای غیررسمی برای تجمعات عمومی باشد.
تشویق بر افزایش تراکم در بافت	باید با در نظر گرفتن تراکم‌های مناسب به ایجاد واحدهای همسایگی فشرده و پیاده مدار پرداخت.
تأکید بر مشارکت ساکنین	باید سطح قابل توجهی از دخالت و مشارکت ساکنین محله در برنامه‌ریزی و مدیریت آن تأمین گردد.
تأکید بر کاهش مصرف انرژی	باید از شیوه‌های طبیعی گرمایش در ساختمان‌ها که می‌تواند از ساماندهی مکانیکی، به‌مراتب کارآمدتر باشد استفاده گردد.
دسترسی آسان به خدمات شهری	باید خدمات شهری کافی و در دسترس برای رفع نیاز شهروندان تأمین گردد.
حفظ و تقویت ساختارهای سنتی و توجه به بناهای واجد ارزش تاریخی	باید به حفظ و مرمت بناهای واجد ارزش تاریخی، نواحی و مناظر تاریخی که تداوم و تکامل تدریجی جامعه شهر را به اثبات می‌رساند، پرداخته شود.
بهره‌گیری از فرهنگ و معماری بومی	معماری و طراحی منظر باید از اقلیم‌های محلی، شکل زمین، تاریخچه و روش‌های ساخت بومی سرچشمه بگیرد.
طراحی هماهنگ با اتکا به ضوابط مدون	در طراحی محیط باید به زیبایی، ایجاد ارتباط و هماهنگی در بافت توجه شود.
تأکید بر شکل‌گیری محلات	محله باید دارای یک مرکز و یک لبه باشد. مرکز محله در بیشتر اوقات باید فضایی عمومی نظیر یک میدان باشد.
تنوع فرهنگی و اختلاط اجتماعی	باید از منطقه بندی اجتماعی و فرهنگی در شهر جلوگیری شود. حضور طیف وسیعی از گونه‌های مسکن باقیمت‌های متفاوت در محلات می‌تواند به تعامل مثبت اقشار مختلف مردم از هر سن، نژاد و درآمدی کمک کند.
رعایت اصل سلسله‌مراتب	ساختار فضایی شهر و محله و نظام دسترسی و توزیع خدمات شهری باید در یک سلسله‌مراتب مناسب کارکردی تأمین گردند.

روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نظر روش‌شناسی، مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است. به منظور بررسی مبانی نظری مرتبط با تحقیق و جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. همچنین به منظور انطباق و مقایسه اصول و قواعد شهرسازی بومی با معیارهای زیبایی‌شناسی، از یک سو با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی ال ساعتی اقدام به تعیین ضریب اهمیت معیارها در جهت تحقق زیبایی‌شناسی و حس تعلق مکانی گردیده و از سوی دیگر با تحلیل اصول و قواعد تبیین شده شهرسازی بومی بر مبنای هریک از معیارها اقدام به اهمیت‌دهی و اولویت‌بندی اصول و قواعد شهرسازی بومی گردیده است.

یافته‌های تحقیق: به منظور بررسی میزان تحقق‌پذیری زیبایی‌شناسی شهری اصول و قواعد شهرسازی ایرانی - اسلامی به‌عنوان هدف اصلی تحقیق حاضر، در گام نخست با توجه به آنکه تحقق زیبایی مستلزم تحقق معیارهای تبیین شده آن می‌باشد و از آنجاکه هر یک از معیارهای به‌نوبه خود جهت تحقق اهداف دارای میزان اهمیت متفاوتی نسبت به هم هستند، از این رو به منظور معنادار کردن تحلیل، با استفاده از مدل تحلیل سلسله مراتبی ال ساعتی (A.H.P) اقدام به تعیین ضریب اهمیت معیارها در دستیابی به زیبایی نموده و نتایج آن را در قالب جدول زیر ارائه گردیده است.

جدول ۳- ضریب اهمیت معیارهای در مقایسه باهم در تحقق زیبایی

معیارها	ضریب اهمیت نرمالیزه شده معیارها	اجتماع‌پذیر بودن	خوانایی	سرزندگی	ایمنی	خودمانی بودن فضا	همخوانی با طبیعت	عدالت
عدالت	۰.۰۳	۱/۵	۱/۵	۱/۷	۱/۵	۱/۵	۱	۱
همخوانی با طبیعت	۰.۰۳	۱/۵	۱/۵	۱/۷	۱/۵	۱/۵	۱	۱
خودمانی بودن فضا	۰.۴۱	۵	۵	۳	۵	۵	۹	۹
ایمنی	۰.۱	۱	۱	۱/۳	۱	۱	۵	۵
سرزندگی	۰.۲۳	۳	۳	۱	۳	۳	۷	۷
خوانایی	۰.۱	۱	۱	۱/۳	۱	۱	۵	۵
اجتماع‌پذیر بودن	۰.۱	۱	۱	۱/۳	۱	۱	۵	۵

بعد از تعیین ضریب اهمیت هر یک از معیارها در دستیابی و تحقق زیبایی‌شناسی شهری در گام دوم به منظور تبیین میزان انطباق اصول و قواعد تبیین شده شهرسازی ایرانی - اسلامی بر معیارهای زیبایی‌شناسی شهری و همچنین میزان تحقق‌پذیری زیبایی‌شناسی اصول شهرسازی بومی با استفاده از تحلیل محتوای مفاهیم استخراج شده از اصول و انطباق آن با مفاهیم معیارها اقدام به تعیین ضریب تحقق‌پذیری هر یک از اصول گردید که نتایج به شرح جدول ارائه شده است.

جدول ۴- میزان تحقق‌پذیری زیبایی‌شناسی اصول و انطباق آن‌ها بر معیارهای شهرسازی بومی

معیارها	عدالت	همخوانی با طبیعت	خودمانی بودن فضا	ایمنی	سرزندگی	خوانایی	اجتماع‌پذیر بودن	میزان تحقق‌پذیری زیبایی‌شناسی اصول
ضریب اهمیت معیارها	۰.۰۳	۰.۰۳	۰.۴۱	۰.۱	۰.۲۳	۰.۱	۰.۱	۰.۱
توافق کامل شهر با محیط پیرامونی در منطقه	*	*	*	*	*	*	*	۰.۳۶
مشخص بودن مرزی برای تعریف محدوده کالبدی	*	*	*	*	*	*	*	۰.۲۳

۱	*	*	*	*	*	*	*	توسعه درون‌زا در بسته‌تر پهنه‌های موجود توسعه‌های جدید در ارتباط چند سویه با شهر اصلی
۱	*	*	*	*	*	*	*	حمایت از حرکت پیاده در بافت
۰.۴۹		*	*	*		*	*	تأکید بر توسعه حمل‌ونقل عمومی
۰.۹	*	*	*		*	*	*	تأکید بر ساخت و ساز سبز، محافظت از فضاهای باز
۰.۹۷	*	*	*	*	*		*	تأکید بر فضاهای عمومی مشترک محلی و اهمیت به زندگی در اجتماع محلی
۱	*	*	*	*	*	*	*	تأکید بر اختلاط کاربری‌ها
۰.۹		*	*	*	*	*	*	الگوی ترکیبی مسکن
۰.۸۷	*		*	*	*			تأکید بسیار زیاد بر مرکز مجموعه
۱	*	*	*	*	*	*	*	تشویق برافزایش تراکم در بافت
۰.۷۷	*		*		*		*	تأکید بر مشارکت ساکنین
۰.۰۶						*	*	تأکید بر کاهش مصرف انرژی
۰.۴۹	*		*	*		*	*	دسترسی آسان به خدمات شهری
۰.۹۷	*	*	*	*	*	*		حفظ و تقویت ساختارهای سنتی و توجه به بناهای واجد ارزش تاریخی
۱	*	*	*	*	*	*	*	بهره‌گیری از فرهنگ و معماری بومی
۰.۵۳	*	*	*	*				طراحی هماهنگ با اتکا به ضوابط مدون
۱	*	*	*	*	*	*	*	تأکید بر شکل‌گیری محلات
۱	*	*	*	*	*	*	*	تنوع فرهنگی و اختلاط اجتماعی
۰.۹۷	*	*	*	*	*		*	رعایت اصل سلسله‌مراتب
	۱۶	۱۵	۱۸	۱۶	۱۴	۱۵	۱۵	میزان تأکید انطباق اصول بر معیارها (برحسب مورد)
	%۸۰	%۷۵	%۹۰	%۸۰	%۷۰	%۷۵	%۷۵	میزان تأکید و انطباق اصول بر معیارها (برحسب درصد)

بررسی فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: با توجه به اصول و قواعد شهرسازی ایرانی - اسلامی چنین به نظر می‌رسد که اصول و قواعد شهرسازی بومی در مجموع بر معیارهای عام زیبایی‌شناسی شهری تأکید کرده و منطبق هستند.

نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۴ حاکی از آن است که ۲۰ اصل تبیین شده باوجود تمایزات اندک، در مجموع هریک معیارها با سطح عالی از تأکید و انطباق از نظر مفاهیم بر اصول می‌توان چنین نتیجه گرفت که اصول و قواعد تبیین شده برای شهرسازی بومی بر معیارهای عام زیبایی‌شناسی شهری تأکید کرده و از نظر مفاهیم محتوایی بر آن‌ها منطبق می‌باشند؛ بنابراین نتایج بیانگر تحقق و صحت فرضیه اول می‌باشند.

فرضیه دوم: با توجه به مفاهیم محتوایی اصول و قواعد تبیین شده چنین به نظر می‌رسد که اصول و قواعد تبیین شده برای شهرسازی میزان تحقق‌پذیری بالایی در زمینه زیبایی شهری دارند.

نتایج حاصله از جدول شماره ۴ بیانگر آن است که از مجموع بیست اصل تبیین شده برای شهرسازی بومی، ۱۴ اصل (معادل ۷۰٪) با میزان تحقق‌پذیری بالایی ۷۵٪، ۳ اصل (معادل ۱۵٪) با میزان تحقق‌پذیری ۵۰٪ و ۳ اصل (معادل ۱۵٪) با میزان تحقق‌پذیری کمتر از ۵۰٪ در زمینه زیبایی شهری است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که اکثر قریب به اتفاق اصول و قواعد تبیین شده برای شهرسازی ایرانی - اسلامی در مجموع از میزان تحقق‌پذیری بالایی در زمینه زیبایی شهری برخوردارند؛ بر این اساس هم صحت فرضیه دوم هم مانند فرضیه اول تأیید می‌گردد.

فرضیه سوم: در مجموع فرض بر این است که شهرسازی بومی آفریننده زیبایی است.

با توجه به آنکه جهت‌گیری‌های فرضیه اول و دوم در واقع بررسی تحقق زیبایی‌شناسی شهری اصول و قواعد شهرسازی ایرانی - اسلامی بوده است و این مهم بر اساس نتایج حاصله از تحلیل مقایسه‌ای اصول و معیارها محقق گردیده است؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مجموع چون اصول تبیین شده برای شهرسازی بومی از نظر مفاهیم محتوایی زیبایی شهری را محقق می‌کنند؛ بنابراین شهرسازی ایرانی - اسلامی آفریننده زیبایی شهری است.

بنابراین در نتیجه از آنجاکه فرضیه در واقع گمانی موقت درباره ماهیت موضوع مورد مطالعه است که بر اساس معلومات و شناخت‌های قبلی شکل می‌گیرد و درست بودن یا نبودنش باید مورد آزمایش قرار گیرد. بر این اساس از یک‌سو با توجه به محقق شدن فرضیه‌های تحقیق و از سوی دیگر از آنجاکه شهرسازی ایرانی - اسلامی و اصول منتج از آن مبتنی بر دو فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی که هر دو مبتنی بر اصول انسان‌شناختی می‌باشند و زیبایی و زیبایی‌جویی یکی از ابعاد فطری انسان‌ها است؛ بنابراین در نهایت می‌توان چنین بیان کرد که شهرسازی ایرانی - اسلامی آفریننده زیبایی است.

منابع

- اتینگهاوزن، م. اسپرتیو، ج. (۱۳۷۴). تاریخچه زیبایی‌شناسی و نقد هنر. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- بهزادفر، م. (۱۳۹۱). رویکردی تحلیلی بر تبارشناسی شهری. فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۳.
- تقی‌زاده، م. (۱۳۸۱). تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی. مجله هنرهای زیبا. شماره ۱۱.
- توسلی، م. (۱۳۷۲). اصول و روش‌های طراحی شهر و فضاهای مسکونی در ایران. جلد اول. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- حافظ‌نیا، م. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- حبیبی، س. (۱۳۸۲). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، س. (۱۳۹۰). شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه‌های معاصر شهرسازی. محیط و مسکن روستا.
- سلسله، ع. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر عامل هویت ایرانی - اسلامی بر زیبایی شهر. فصلنامه آرمان‌شهر، شماره ۲.
- کریمی مشاور، م. (۱۳۹۲). رویکردها و روش‌ها در زیبایی‌شناسی شهری. فصلنامه باغ نظر، شماره ۲۴.
- کریمی مشاور، م. (۱۳۹۲). رویکردها و روش‌ها در زیبایی‌شناسی شهری. فصلنامه باغ نظر، شماره ۲۴.
- کریر، ر. (۱۳۷۵). فضای شهری. خسرو هاشمی نژاد. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- متولی، م. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش کیفیت زیبایی در منظر شهری بر اساس مفهوم دیدهای متوالی. فصلنامه آرمان‌شهر، شماره ۵.

- مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. (۱۳۹۱). ضوابط و شاخص‌های لازم جهت بازیابی هویت شهرسازی و معماری اسلامی ایرانی. تهران: شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.
- منصوری، ع. (۱۳۸۹). حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی - اسلامی. فصلنامه مسکن و محیط روستا.
- ویتیک، آ. (۱۳۸۵). مبانی زیبایی‌شناسی در محیط شهری. ترجمه: جواد مهدی‌زاده. جستارهای شهرسازی، شماره ۱۷ و ۱۸.